

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

---

اروپا به وایمار نیازمند است: \_\_\_\_\_  
چشم‌اندازی از مثلث وایمار در دوره بحران \_\_\_\_\_

---

گزیده پژوهش‌های جهان: اروپا به وایمار نیازمند است: چشم‌اندازی از مثلث وایمار

در دوره بحران

بررسی و نظارت: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران -

معاونت پژوهشی

ترجمه و تلخیص: طاهره مقری مؤذن

تاریخ انتشار: ۹۶/۵/۷

تلفن و دورنگار: ۷ - ۸۸۷۵۶۲۰۵

صندوق پستی: ۲۸۴۹ - ۱۵۸۷۵

نشانی اینترنت: [www.tisri.org](http://www.tisri.org)

کلیه حقوق مادی و معنوی این گزارش متعلق به مؤسسه تهران است. تکثیر، انتشار و یا واگذاری آن به دیگران به هرصورت و بدون اجازه کتبی این مؤسسه مجاز نمی‌باشد.

---



## خلاصه اجرایی

نوشتار حاضر که در سالگرد تشکیل اتحاد مثلثی وایمار، با حضور فرانسه، آلمان، و لهستان منتشر شده است، بر ضرورت تقویت آن تأکید دارد. به گفته نویسنده، این مثلث در سال ۱۹۹۱، با هدف نزدیکی و جذب لهستان و دیگر مردم‌سالاری‌های جدید در جامعه اروپایی شکل گرفته است؛ اگرچه خروجی خاصی نداشته است، به باور او، در شرایط فعلی می‌تواند راهی برای نجات اتحادیه از اضمحلال تدریجی باشد.

- به گفته نویسنده، این مثلث با توجه به وجود مشکلات بی‌شمار اتحادیه، در فکر احیای ائتلاف‌سازی خواهد بود و افتراق‌های موجود میان پاریس، برلین و ورشو را کمرنگ خواهد کرد.
- از دید او، سیاست امنیتی و دفاعی مشترک باید اولویت یابد و «شورای امنیت و دفاع وایمار» تشکیل شود.
- از نظر او، این سه کشور باید در طولانی‌مدت همگرایی اروپایی را تقویت کنند و در برابر بحران‌ها توان خود را به نمایش بگذارند.
- رشد و توسعه ملی در تمامی زمینه‌ها موجب جلب اعتماد دوباره شهروندان درقبال ساختارهای اروپایی خواهد شد و رشد محبوبیت جریان‌های راست افراط‌گرا و ضداروپایی را نیز کاهش خواهد داد.
- مثلث وایمار کاربژه هماهنگی و برنامه‌ریزی راهبردی را در حوزه‌های مهم راهبردی که نیازمند همکاری هر سه کشور است، در آینده برآورده خواهد کرد.
- از نظر نویسنده، نباید اولویت‌ها و منافع اعضای اتحادیه با یکدیگر واگرا باشند، وایمار باید سیاست همگرایی در اتحادیه و سیاست همسایگی را در یک قالب و نه به‌شکلی مجزا مورد توجه قرار دهد.
- به باور او، وایمار باید در طولانی‌مدت و در سطح وسیعی در پی سازگاری و حل مناقشات سیاسی بنیادین اعضا برآید، و محرکی در میان اعضای اتحادیه ایجاد کند تا برای توسعه خود در راستای منفعت تمامی اعضا تلاش کنند.



## اروپا به وایمار نیازمند است: چشم‌اندازی از مثلث وایمار در دوره بحران<sup>۱</sup>

### مقدمه

با خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، برخی از کشورهای عضو در صدد بازبینی و ارائه تعریف جدیدی از همگرایی اروپایی و روابط دوجانبه خود با دیگر کشورهای عضو هستند. بدیهی است بسیاری از کشورهایی که حضورشان در اتحادیه به توسعه بیشتر آنها انجامیده است، از لحاظ اجتماعی همراهی بیشتری با دولت‌های خود برای ادامه فعالیت در چهارچوب اتحادیه دارند. برعکس، کشورهای قدیمی اتحادیه یا به عبارت دیگر، بنیان‌گذارانی مانند فرانسه، یا کشورهایی که حضور در اتحادیه برای آنها به معنای تحمل هزینه است، مثل آلمان، خواهان تغییر شرایط موجود هستند.

نوشتر حاضر ترجمه و تلخیصی است از اثری با عنوان «اروپا به وایمار نیازمند است: چشم‌اندازی از مثلث وایمار در دوره بحران» که نشان‌دهنده نگرانی اعضای اتحادیه از خروج بریتانیاست و بر همکاری بیشتر سه عضو مهم اتحادیه، فرانسه، آلمان و لهستان، به عنوان راهی برای ممانعت از اضمحلال تدریجی اتحادیه تأکید دارد.

نویسنده اثر، دکتر مارتین کوپمان، یکی از متخصصان اروپایی حوزه روابط فرانسه و آلمان است که تحصیلات خود را در این دو کشور به پایان رسانده و شناخت دقیقی از هر دو دارد. سوابق اجرایی او در دفتر امور خارجه آلمان، در حال حاضر با مدیریت بنیاد آلمانی - فرانسوی گنشاگن<sup>۲</sup> پیگیری می‌شود. این بنیاد، از طرف وزارت امور خارجه و توسعه بین‌المللی فرانسه تأسیس شده و مقر آن در پاریس است.

1. Koopmann, Martin. *L'Europe a besoin de Weimar: Perspectives du triangle de Weimar en période de crise*, l'Institut Français des Relations Internationales, France, 2016.

2. La Fondation Genshagen



او در ابتدا، با ارزیابی تحولاتی که از زمان تشکیل مثلث تاکنون برای این سه کشور و از سوی دیگر، برای ساختارهای اروپایی رخ داده، شرایط جدید همکاری آنها را تعریف کرده است. سپس با توجه به موقعیت این سه کشور، پیشنهادهای برای تنظیم طرحی بلندمدت و اجرایی دارد.

### چرایی ضرورت تقویت وایمار

مثلث وایمار در سال ۱۹۹۱ با اعلام بیانیه مشترک وزرای امور خارجه فرانسه، آلمان و لهستان شکل گرفته است؛ اما به گفته نویسنده، تاکنون مکانی برای استقرار، سخنگویی برای طرح امور، یا نمایندگانی در سطح ملی نداشته است. کوپمان هدف اصلی تشکیل آن را نزدیکی به لهستان و مردم‌سالاری‌های جدید در جامعه اروپایی معرفی کرده است که از دید او مدت‌هاست این اهداف محقق شده‌اند. به باور او، اگرچه همکاری سه‌جانبه این کشورها هرگز در فراز و فرود رویدادها کاملاً متوقف نشده است؛ اما در شرایط فعلی نیاز شدیدی به احیای آن دیده می‌شود. او با انتشار این نوشتار در سالگرد تشکیل اتحاد وایمار، بر ضرورت تقویت این مثلث، به‌عنوان راه‌حلی پیشگیرانه علیه اضمحلال تدریجی اتحادیه و راهی برای بروز نوآوری‌هایی جهت همگرایی بیشتر آن تأکید دارد.

از دید او، این مثلث باید با توجه به وجود مشکلات بی‌شماری که دامان اتحادیه را گرفته است، در فکر احیای ائتلاف‌سازی باشد و از تمرکز بر افتراق‌های موجود میان پاریس، برلین و ورشو اهتراز کند. از نظر نویسنده از آنجاکه اکنون تضادهایی جدی میان این سه کشور دیده می‌شود، شایسته است طرح‌ها و اهداف آتی این مثلث با بصیرت مشخص شوند. به باور او، در آینده، این مثلث می‌تواند به‌عنوان برنامه و بستری در خدمت اعتمادسازی بین سه کشور باشد. از سوی دیگر، نویسنده پیشنهاد می‌کند سیاست امنیتی و دفاعی به حوزه‌ای مورد توجه جدی برنامه اقدام مشترک تبدیل شده، و «شورای امنیت و دفاع وایمار» ایجاد شود. از نظر نویسنده، در طولانی‌مدت این سه کشور باید به انتظاراتی پاسخگو باشند که نقشی هماهنگ‌کننده در رابطه با توسعه جنبه‌های مختلف همگرایی اروپایی ایفا می‌کنند. این جنبه‌ها برای آینده بسیار مهم خواهند بود.

به باور او، هیچ‌یک از این امور نمی‌تواند بدون وجود روابط خوبی میان آلمان و فرانسه محقق شود و هیچ اولویتی هرگز جای آن را نخواهد گرفت. وی توضیح می‌دهد گسترش



پیوسته اتحادیه اروپا، رهبری آن را دشوار کرده است. از دید او، اگرچه از نظر قانونی اختیارات اتحادیه بیشتر از سوی اعضا پذیرفته شده‌اند، ولی همین قوانین به روابطی دوجانبه میان اعضا اجازه داده‌اند که مشکلات قابل توجهی را به وجود آورده است؛ یکی از نمونه‌های آن نیز بروز نیروهای گریز از مرکز و برگزیت است.

نخستین ضرورت احیای وایمار از نظر نویسندگان این است که سیاست مثلث وایمار از زمان گسترش اتحادیه اروپا، حاشیه‌ای و نمادین بوده؛ اما اکنون که اتحادیه با بحران‌هایی مانند خروج بریتانیا روبه‌روست، لازم است این مثلث توان خود را به نمایش بگذارد و واکنشی مناسب نشان دهد. از دید نویسندگان، این خروج، برای اتحادیه لزوم احیای وایمار و یکپارچگی دوباره زیر چتر این مثلث را یادآور می‌شود.

علاوه بر این، کوپمان بر این باور است که اتحادیه نتوانسته است در حوزه‌های مختلف سیاسی اقدامی کارآمد داشته باشد؛ بنابراین، شهروندان به ساختارهای اروپایی بی‌اعتماد شده‌اند. رشد جریان‌های راست افراط‌گرا و ضد اروپایی نیز مولود افزایش بی‌اعتمادی کلی به سیاست دولتی یا ملی بوده است؛ زیرا از نظر شهروندان، دولت‌های اروپایی بسیار وابسته و مطیع سیاست‌های اتحادیه‌ای هستند.

سومین ضرورت آن است که اتحادیه اروپا با تحول نظم بین‌المللی نیز مواجه شده که واضح است برای آن هیچ آمادگی‌ای نداشته است. از نظر نویسندگان، بحران اوکراین؛ جنگ در سوریه و عراق؛ بحران مهاجران و غیره، همگی نیازمند دریافت‌های جدید و تفکرات سیاسی بدیعی هستند که وایمار می‌تواند برای آنها پاسخگو باشد.

### ۱. شرایط جدید همکاری سه‌جانبه: اروپا در تحول به سوی جهانی دیگر

به باور نویسندگان، از آنجاکه وجود اتحادیه‌ای قوی و یکپارچه به نفع این سه کشور خواهد بود؛ لذا هر سه باید در راستای ایجاد رابطه بهتر سه‌جانبه و تقویت همگرایی اروپا گام بردارند. از دید او، برای رسیدن به این هدف، ضروری است این نکته هم مورد توجه قرار گیرد که این مثلث تا به حال کجا بوده و چرا تاکنون موفق نشده از پس بحران‌ها برآید. با این مقدمه، نویسندگان به ارزیابی تحولات ملی هر یک از این سه کشور و تحولات اتحادیه اروپا پرداخته است.



## تحول بازیگران عمده: آلمان، فرانسه، لهستان

به باور نویسنده، در این ۲۵ سال، چهره اروپا به شدت و در همه جنبه‌ها، از جمله نحوه همگرایی در اتحادیه، همبستگی در جامعه اروپایی و حتی سیاست‌هایی در سطح ملی تغییر کرده است. از دید او، بی‌شک بزرگترین تغییر، تحول در آلمان است که چهارچوب سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی جدیدی را پی ریخته و با پیوستن کامل به اتحادیه، تمامی تلاش خود را در راستای اعتلای آن به کار برده و در هم‌وغم آن شریک بوده است. از دید نویسنده، بی‌شک این کشور علاقه‌مند است جایگاه رهبری قدرتمندی را در اروپا بیابد، با این حال، آلمان هنوز هم از تضادها و عدم قطعیت‌هایی در رنج است. در مورد فرانسه نیز به باور او، هر چند باید گفت در سیاست اروپایی خود پابرجا بوده و حتی آن را تقویت کرده است؛ اما تحول آن در جنبه‌ای دیگر رخ داده است. این کشور، آن اندازه بر معیارهای همگرایی اروپایی متمرکز بوده که فراموش کرده است با توجه به روند جهانی‌سازی اصلاحاتی در بازار کار خود به وجود آورد. در نتیجه، از دید نویسنده، فرانسه با ضعف اقتصادی داخلی مواجه است؛ هر چند اخیراً اقداماتی در این راستا صورت گرفته، اما به‌ثمر نشستن آنها نیازمند زمان است. نویسنده تأکید دارد نیروهای حامی اروپا در احزاب راست و چپ، در مقایسه با گفتمان راست افراطی در این کشور حرف‌چندانی برای گفتن ندارند و شعار جدیدی نیست که مردم فرانسه را دلگرم کند؛ اما در این میان کشور لهستان واقعاً از حضور در اتحادیه و ناتو منتفع شده و تحول آن بسیار چشمگیر بوده است. به گفته او، این کشور در زمینه‌های اقتصادی، امنیتی، و اجتماعی، رشد قابل توجهی داشته است و میزان حمایت مردم آن از اتحادیه همچنان بسیار بالاست. نویسنده یادآور می‌شود البته این کشور نیز در مورد پیوستن به یورو چندان خوشبین نیست.

مختصر اینکه از نظر نویسنده، هر سه کشور از سال ۱۹۹۱ دگرگونی‌های بسیار به خود دیده‌اند؛ اما هنوز در بیست‌وپنجمین سالگرد تشکیل مثلث وجه اشتراکی جدی دارند، آنها هر سه به‌سوی امور داخلی خود مایل شده‌اند. این امر، خواه به این علت پدیدار شده باشد که آنها تحت فشار سیاست ملی خود هستند (آلمان، فرانسه)، یا خود اولویتی سیاسی در نظر دارند (لهستان)، به این واقعیت منجر شده است که این سه خواهان سازماندهی مجدد کشور خود، به شیوه‌ای باشند که محدودیت‌های همگرایی در اتحادیه را مرمت کند. از نظر نویسنده، نگاه این سه کشور به یکدیگر و همکاری مشترک، تغییر بسیاری یافته و بی‌تردید نگاه آنها اتحادیه را نیز تحت تأثیر قرار داده است.



## تحول چهارچوب اروپایی

به گفته نویسنده، بزرگ‌ترین تحول اتحادیه اروپا، پیوستن لهستان و نه کشور دیگر در فاصله سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ به این سازمان بوده است. پس از دوره گذار، مرزهایی که میان کشورهای بنیانگذار و کشورهای تازه‌وارد وجود داشت، کامل از میان رفته‌اند. فقط درخصوص بحث پیوستن به یورو، به نظر می‌رسد کشورهایمانند لهستان و مجارستان به علت وجود طرح‌هایی ملی، این موضوع را در اولویت قرار نداده‌اند، و از این حیث با کشورهای بنیانگذار فاصله دارند.

تحول دیگر اروپایی آن است که گروهی از کشورها در شمال غربی (نظیر آلمان)، اقتصادی لیبرال را اقتباس کرده‌اند و گروهی دیگر در جنوب غربی (نظیر فرانسه)، اقتصادی دارند که از نظر سنتی، مداخله دولت و استفاده از ابزارهای حمایت‌گرایانه را ترویج می‌دهد. به باور نویسنده، علی‌رغم این تضاد، نظام اقتصادی اروپا چشم‌انداز سیاسی یکپارچه‌ای دارد. با وجود این تحولات بنیادی، پرسشی که مطرح می‌شود آن است که چه انتظار و توجعی می‌توان از وایمار داشت؟

## ۲. از مثلث وایمار چه باقی مانده است؟

کوپمان اشاره دارد، مثلث وایمار در ابتدا ابزاری برای گذار از وضعیت جنگی و ممانعت از جذب اروپای شرقی به شوروی تشکیل شد. به باور او، این مثلث نماد تعهدی عمومی درقبال مسئولیتی مشترک است. با این حال، به گفته او، این مثلث با دشواری‌های بسیاری برای حفظ موازنه میان این سه کشور روبرو بوده است؛ توضیح مختصری که می‌توان ارائه کرد آن است که رشد سریع اقتصادی آلمان، ترس لهستان از آلمان، و مشکلات اقتصادی فرانسه وجه مشترکی نداشته‌اند و در نتیجه، مانع از حفظ موازنه‌ای کلی در روابط سه‌جانبه این کشورها شده‌اند.

از دید نویسنده، اشتیاق فرانسه برای برقراری رابطه دوجانبه با آلمان و روی کار آمدن دولت جدیدی در لهستان در سال ۲۰۱۵ شرایط امروز مثلث را کاملاً تغییر داده است و این سه کشور بیش از هر زمانی در گذشته، می‌توانند به یکدیگر نزدیک شوند. از نظر او، این سه کشور می‌توانند اهداف ملموسی را تعیین کنند و اتحادیه اروپای جدیدی را فرای نماد کاملاً سیاسی آن به نمایش بگذارند؛ زیرا در غیر این صورت، داستان واگرایی‌ها و رشد نیروهای گریز از مرکزی که به خروج بریتانیا از اتحادیه اجازه داد، همچنان ادامه خواهد یافت.





### ۳. موقعیت در سال ۲۰۱۶: شرایط دشوار

از دید نویسنده، دشواری‌هایی که اروپا برای اتخاذ اقدام سیاسی در سال ۲۰۱۶ با آنها روبه‌روست، بر فشاری که به اعضای این مثلث وارد می‌شود، می‌افزاید. از جمله این دشواری‌ها، تصمیم‌گیری برای رویداد روسیه و اوکراین، یافتن راه‌حلی برای وضعیت سوریه و عراق، و همچنین مدیریت بحران مهاجران است. این مشکلات نیازمند پاسخی سریع و کارآمد هستند و علاوه بر این، باید برای راه‌حل آنها در طولانی‌مدت نیز اندیشیده شود. از نظر نویسنده، بی‌توجهی به این مشکلات، از زمان بحران بدهی و سپس ورود مهاجران، موجب خروج بریتانیا از اتحادیه شده و یکپارچگی اعضا را به خطر انداخته است.

بنابراین، از دید او، اعضای مثلث وایمار باید به اصلاح اشکالات اساسی در ساختار اروپا و بخش‌های مختلف سیاسی آن پرداخته، علل ناتوانی در تصمیم‌گیری را برطرف کرده و به‌شکلی کارآمد به مبارزه با بی‌اعتمادی شهروندان به ساختار اروپایی برخیزند. به باور او، متأسفانه کشورهای مثلث وایمار هر یک پاسخی متفاوت برای این مشکلات و حتی بحران‌ها دارند. درحالی‌که اکنون زمان آن است که دریابند باید چه اندازه به هر موضوعی اهمیت داد و چه اولویتی از نظر میان‌مدت و بلندمدت برای آن قائل شد.

به گفته نویسنده، خروج بریتانیا از اتحادیه، یکی از بازوهای قدرتمند برای کمک به لهستان را از این کشور گرفته است و مشخص نیست دولت جدید تا چه اندازه خواهان ورود به مثلث یا بهره‌مندی از رابطه دوجانبه فرانسه - آلمان است. از سوی دیگر، در فرانسه و آلمان سال ۲۰۱۷ با انتخاباتی روبه‌رو هستیم که بسیار سرنوشت‌ساز هستند و هسته اصلی وایمار با توجه به اینکه معلوم نیست چه افرادی روی کار بیایند و سیاست آنها چه باشد، به‌شدت متأثر از این انتخابات خواهد بود. نویسنده امیدوار است درمیان سناریوهای محتمل، آنچه به وقوع می‌پیوندد، خطر پدیدار شدن شکافی واقعی در مثلث و دور شدن از اهدافی که اروپای متحد براساس آن شکل گرفته است نباشد.

### ۴. مثلث جدید: دفاعیه‌ای برای واقع‌گرایی بلندپروازانه

به باور نویسنده، در این بیست‌وپنج ساله، عرصه سیاسی اتحادیه اروپا بسیار پیچیده و متحول شده است. در حال حاضر، لهستان به ریاست جمهوری جاروسلاو کازینسکی، در مرحله تکامل طرح‌های سیاست داخلی خود است، و از ارزش‌های بنیادین الحاق به اتحادیه اروپا



فاصله می‌گیرد. فرانسه و آلمان نیز در آستانه انتخابات هستند؛ با این حال، از دید او، می‌توان اهداف و مأموریت‌هایی را تعیین کرد که بسیار بلندپروازانه نباشند و در طولانی‌مدت نیز بتوانند با مطالبات ابتدایی اتحادیه اروپا سازگار شوند.

نخست، مثلث وایمار باید در خدمت برنامه‌ای برای تعمیم اعتماد میان این سه کشور باشد. به باور نویسنده، خوشبختانه دولت‌های این سه کشور، هیچ‌یک تداخلی میان همگرایی در ساختار اتحادیه با آینده ملی خود نمی‌بینند؛ با وجود این، از دید نویسنده لازم است این سه کشور برای درک بیشتر و بهتر شرایط اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی خود و اعضای اروپایی هزینه کنند؛ زیرا از نظر او، در این چهارچوب‌هاست که راهبردهای سیاسی و تصمیم‌های اساسی ملی تعیین می‌شود و به شدت بر موضع‌گیری اعضا در قبال اتحادیه اثرگذار است.

دوم، این کشورها باید سیاست امنیتی و دفاعی مشترکی را تعریف کنند که این خود به درک سیاست خارجی مشترکی می‌انجامد. به باور نویسنده، در این راستا، مهم است که سیاست این سه کشور ازسوی در قبال روسیه، ناتو و ازسوی دیگر، در قبال اتحاد و روابط خود در بافتار مثلث همسان‌سازی شود. در نتیجه، از دید نویسنده، این سه کشور به برقراری گفتگوی سیاسی پایداری نیازمندند و ضروری است برای تدوین سیاست امنیتی و دفاعی مشترک، «شورای وایمار» تعریف و تشکیل شود. از نظر کوپمان، ایرادی ندارد که حتی با وجود خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، این سه کشور، گروه مثلث «وایمار پلاس» (وایمار به‌اضافه، یعنی متشکل از: آلمان، فرانسه، لهستان، و بریتانیا) را به فراخور موضوعات و شرایط روز تشکیل دهند. نویسنده توصیه می‌کند تشکیل نهادهایی برای تقویت مثلث نیز در نظر گرفته شود.

سوم، از دید کوپمان، مثلث وایمار باید بتواند کارویژه هماهنگی و برنامه‌ریزی راهبردی را در حوزه‌های مهم راهبردی که نیازمند همکاری هر سه کشور است، در آینده برآورده کند. از نظر او، نباید اولویت‌ها و منافع اعضای اتحادیه با یکدیگر واگرا باشند و سیاست همگرایی در اتحادیه و سیاست همسایگی نیز باید در یک قالب و نه به‌شکلی مجزا مورد توجه قرار بگیرند. به باور کوپمان، نتیجه ثانویه‌ای که از این توصیه‌ها حاصل می‌شود آن است که مثلث وایمار باید بر دو نوع کنش سیاسی متمرکز باشد؛ نخست، باید در طولانی‌مدت و در سطح وسیعی در پی سازگاری و حل مناقشات سیاسی بنیادین اعضا برآید؛ و دوم، باید بتواند محرکی در میان اعضای اتحادیه ایجاد کند تا برای توسعه خود در راستای منفعت تمامی



اعضا تلاش کنند. براین اساس، گفتمان سیاسی این مثلث، همزمان در چهارچوبی واقع‌گرایانه و بلندپروازانه قرار می‌گیرد.

## نتیجه‌گیری

به‌نظر می‌رسد، خروج بریتانیا از اتحادیهٔ اروپایی کشورهای عضو، به‌ویژه آلمان و فرانسه را بیدار و متوجه مشکلاتی کرده که اتحادیه مدت‌هاست با آن روبه‌رو بوده است. نبود بودجهٔ کافی برای دفاع، احساس ناتوانی از پاسخ‌گویی مناسب به تهدیدات روسیه در شرق اتحادیه، مشکلات داخلی بی‌شمار و علاوه‌براینها، وضعیت نامشخص عراق و سوریه، بحران مهاجرتی و مشکلات اقتصادی، همه و همه نیازمند ابتکاراتی هستند که احیاء مثلث وایمار نیز یکی از آنهاست.

اگرچه نویسنده این اثر امیدوار است این مثلث، با حضور جدی فرانسه، آلمان، و لهستان بتواند برای اولین بار از عمر خود، تحولی سیاسی در اتحادیه پدید آورد و جان تازه‌ای به آن بدمد؛ اما حتی آنچنان که کوپمان خود می‌نویسد، مثلث در نقطهٔ صفر است. این به آن معناست که هنوز ابتدا باید این مثلث تعریف شود، درخصوص وضعیت اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی اعضای مثلث اطلاعاتی فراهم شود، نهادهایی برای آن تعریف شود، و کمک دیگر اعضا مورد توجه قرار بگیرد.

این همه درحالی است که لهستان درگیر اجرایی‌ساختن برنامه‌های ملی بلندپروازانهٔ خود است و دو کشور آلمان و فرانسه در انتظار انتخابات ریاست‌جمهوری و انتقال دولت هستند. در نتیجه، از گفته‌های نویسنده می‌توان دریافت، اگر هم بتوان تصور کرد روزی مثلث وایمار جان تازه‌ای به اتحادیهٔ اروپا خواهد دمید، آن روز خیلی نزدیک نخواهد بود. همان‌طور که کوپمان می‌نویسد گفتمان سیاسی این مثلث، همزمان در چهارچوبی واقع‌گرایانه و بلندپروازانه قرار خواهد گرفت. در نتیجه، باید منتظر ماند و دید اوج پرواز آن تا کجا خواهد بود.